

«تعالُد» روند بازار سهام را
بررسی می کند
خودرو در یک قدمی
بورس کالا

نیاز اقتصاد ایران

رد پای رمز ارزها
در بازار مسکن

معامله مسکن بار رمز ارزها
پولشویی است

صفحه ۵

صفحه ۴

«تعالُد» از آغاز مذاکرات اوپک پلاس برای تاخیر در افزایش تولید نفت گزارش می دهد

چانه زنی برای طلای سیاه!

صفحه ۳



اما مسوولیت حقوقی بین المللی هم ندارد. اما حزب الله در نظام بین الملل مسوولیت دارد. جنگی که ظاهرا علیه حزب الله آغاز شد باعث در گیر شدن کل کشور لبنان شد، نهایتا هم دو طرف تصمیم به آتش بس گرفتند اسرائیل هر چند حملات نظامی گسترده ای علیه لبنان انجام داد و از ماجرای پیچر هاو ترور فرماندهان گرفته تا بمباران شدید و... کنشگری داشت، اما نهایتا دستاورد قابل توجهی کسب نکرد. نتیجه این جنگ آواره شدن ۲ میلیون لبنانی و ده ها هزار نفر اسرائیلی بود. با این داده ها، نظام بین الملل قبل از اینکه آتش بحران به مراحل غیر قابل مهار برسد، تصمیم گرفتند زمینه های آتش بس را فراهم سازند. فکر نمی کنم این آتش بس پایدار بماند، مگر اینکه اتفاقات دیگری در منطقه رخ دهد. آتش بس سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۲۲ ادامه یافت، اما بعید می دانم این آتش بس چنین شرایطی را داشته باشد. پرسش مهم بعدی آن است که این آتش بس را تا چه اندازه باید ناشی از حضور ترامپ و تا چه حد برآمده از جریان طبیعی رخدادها بدانیم؟ هر چند نمی توان منکر اثرات حضور ترامپ در رخداد های منطقه بود،

اسرائیل و باز گرداندن ۱۰۰ هزار نفر آواره اسرائیلی به شهر کها، بخشی از اهدافی بود که نتانیا هو اعلام کرده بود اما امروز هیچ کدام عینیت پیدا نکرده اند. از سوی دیگر اقتصاد اسرائیل در بخش هایی چون انرژی، بازرگانی، گردشگری و... آسیب های زیادی متحمل شده و بسیاری از سرمایه گذاران خارجی از این سرزمین خارج شده اند یا چنین پیش فرض هایی، مناسعت، چه تاثیری در رخداد های منطقه و جهان به جای می گذارد و پس از آن باید منتظر چه تحولاتی باشیم، مطرح است؟ به نظرم توافقاتی در سطح بین المللی صورت گرفته تا معادله لبنان حل و فصل شود. از نظر نظام بین الملل گروه های مقاومت فلسطینی و لبنانی تفاوت هایی با هم دارند. روشن است که حماس مسوولیت حقوقی مثل حزب الله ندارد، چرا که حزب الله هم در پارلمان لبنان و هم در دولت این کشور، نقش آفرین است. اما حماس هیچ نقشی در دولت خود گردان ندارد. از بین بردن توان نظامی حماس و حزب الله، آزادی گروگان ها، پایان دادن به حملات موشکی علیه

سرانجام آتش بسی که بسیاری از افراد در سراسر جهان و منطقه منتظر آن بودند میان اسرائیل و حزب الله لبنان متعقد می شود. آتش بسی که مردم اسرائیل و گروه های سیاسی داخل سرزمین های اشغالی آن را یک شکست کامل برای اسرائیل ارزیابی می کنند. مردم اسرائیل با اشاره به اینکه که محتوای آتش بس اخیر عینا شبیه مفاد قرارداد ۱۷۰۱ است که در سال ۲۰۰۶ با لبنان بسته شده بود با آن مخالفت می کنند. اما حزب الله در تمام سال های پس از آن به تقویت خود مبادرت کرده و قلمروی نفوذ خود را گسترده ساخته بود. از سوی دیگر در این آتش بس هیچ اشاره ای به سرنوشت ۱۰۰ گروگان اسرائیلی در بند حماس نشده است. مردم اسرائیل نتانیا هو را شمات می کنند چرا قبل از آتش بس اخیر با حزب الله با حماس قرارداد پایان مناقشه و تعیین تکلیف گروگان ها را امضا نکرده است؟ در واقع نتانیا هو به هیچ کدام از اهدافی که قبل از آغاز نبرد اخیر اعلام کرده بود، دست نیافته است. از بین بردن توان نظامی حماس و حزب الله، آزادی گروگان ها، پایان دادن به حملات موشکی علیه

یادداشت - ۱

سرنوشت صادرات نفتی ایران در دوران ترامپ



سید حمید حسینی

سرنوشت صادرات نفتی ایران پس از حضور ترامپ در کاخ سفید چه خواهد شد؟ آیا تحقق دورنمای صادرات یک میلیون و ۷۸۰ هزار بشکه های نفت خام محتمل است یا اینکه با حضور ترامپ بودجه متفاوتی را تنظیم کرد؟ آیا چین به دنبال جایگزین کردن نفت آفریقا به جای نفت ایران است؟ این پرسش و سایر پرسش هایی از این دست این روزها در محافل اقتصادی و رسانه ای کشور بازتاب پیدا می کند. برخی عنوان می کنند چین به دنبال جایگزین کردن نفت کشورهای آفریقای به خصوص نیجریه به نفت ایران است. اما مساله این است که نفت ایران برای چین غیر قابل جایگزین است. ضمن اینکه نفت آفریقا تا زمان رسیدن به چین بین ۳۰ تا ۴۰ روز بایز مسیر دو منطقه اطلی کند و این موضوع برای چین غیر قابل قبول است. ایران حدود ۱۰ درصد نفت چین را تامین می کند و چین در راستای منافع ملی خود همچنان این ظرفیت را برقرار نگه می دارد. از سوی دیگر، ترامپ به چین چنگ و دندان نشان داده و به دنبال رویارویی تعرفه ای و غیر تعرفه ای با چین است. طبیعی است که چین منافع خود را دنبال کرده و دلیلی نمی بیند که برای رضایت ترامپ منافع خود که با واردات نفت از ایران تامین می شود را فدا کند.

افرادیکه از کاهش صادرات نفتی ایران پس از پیروزی ترامپ صحبت می کنند، فراموش کرده اند که در نوبت قبلی حضور ترامپ هم این ترامپ نبود که باعث کاهش صادرات نفتی ایران شد، بلکه این کرونا بود که تقاضای نفت در جهان را کاهش داد و متعاقب آن متقاضی خرید نفت ایران هم کم شد. البته کشورهایی چون کره جنوبی، ترکیه، هند، اروپاییان، ژاپن و... که از یک طرف مشتری نفت ایران بودند و از سوی دیگر روابط مناسبی با امریکا داشتند، طبیعی بود که پس از حضور ترامپ در سال ۲۰۱۶ و تلاش برای فشار حداکثری بر ایران، خرید نفت از ایران را کاهش دهند. اما در همان برهه هم چین در حال خرید نفت ایران بود و مشکلی در این زمینه وجود نداشت. معتمد اگر پس از تحریم های ترامپ، اقتصاد جهانی با معضل کرونا و کاهش مصرف شدید ناشی از آن روبه رو نمی شد، صادرات نفتی ایران در همان برهه هم به چین و برخی کشورهای دیگر افزایش پیدا می کرد. اما در ادامه اجرای کرونا و کووید ۱۹ سمت و سوی خاصی پیدا کرد و باعث کاهش تقاضای انرژی در جهان و کاهش صادرات نفتی ایران شد. بنابراین کاهش چشمگیر صادرات نفتی ایران در آن سال ها، دلایل مختلفی داشت که یکی از دلایل آن به تحولات داخل امریکا و حضور چهره های مانند ترامپ در راس هرم اجرای ایالات متحده باز می گشت، اما دلیل برجسته تر و مهم تر شیوه کرونا در جهان بود. با این توضیحات باید به آن دسته از افراد و جریانی که نگران صادرات نفت ایران در دوره ترامپ هستند، گوشزد کرد که نگران نباشند! ضمن اینکه هنوز معلوم نیست آیا ترامپ در مواجهه با ایران چه سیاستی را دنبال می کند؟ آیا به دنبال سیاست فشار حداکثری خواهد بود یا نوع خاصی از تعامل و تفاهم و مذاکره را پیگیری می کند یا ترکیبی از هر دو راهبرد را؟ البته حضور چهره هایی مانند ایلان ماسک برخی را به این نتیجه رسانده که با ترامپ متفاوتی طرف خواهیم بود. اگر ترامپ به سمت فشار و تحریم حرکت کند، هزینه های جانبی صادرات نفت ایران بالا می رود. هزینه ها برای ایران در بخش هایی چون کشتیرانی، بیمه، نقل و انتقال پول، اسناد و... بیشتر می شود. موضوعی که معتقدم جای نگرانی دارد. باز گشت تحریم های اقتصادی شورای امنیت و سازمان ملل متحد علیه ایران است. تا زمانی که این نوع تحریم ها باز ندرد تحریم های امریکا به تنهایی نمی تواند تحریم های ایران را به مر حله ای برساند که نگرانی های عمیقی ایجاد کند. اگر تحریم های سازمان ملل در جریان بود، امکان داشت که مشکلات ایران در صادرات نفت بیشتر شود، اما خوشبختانه در حال حاضر ایران با تحریم های سازمان ملل دست به گریبان نیست.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت - ۲

انعکاس سیاست های دولتی در بورس

بازار سرمایه ایران در دوره های مختلف تحت تاثیر عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی و مدیریتی دستخوش تغییرات شده است. در شرایط فعلی، حمایت های دولت از بازار سرمایه و عدم تغییر سیاست های مالیاتی و مقرراتی



مریم محبی

عمده، نشان دهنده رویکرد حمایتی دولت از بورس است. این سیاست ها باعث ایجاد ثبات نسبی در بازار شده اند و بر تصمیم گیری های سرمایه گذاران تاثیر گذار بوده اند. به تازگی خبر آتش بس در بر خسی در گیری های بین المللی منتشر شد؛ رخدادی که پتانسیل داشت تا آرامش بیشتری به بازار سرمایه دهد. با این حال، برخلاف انتظار، این رویداد نتوانست تاثیر مستقیمی بر رونق بازار بگذارد. علت اصلی این امر، وابستگی بیشتر بازار سرمایه به تصمیمات اجرایی و مدیریتی دولت است تا شرایط بین المللی یا داخلی. یکی از ویژگی های بارز بازار سرمایه در کشور های در حال توسعه، از جمله ایران، این است که تغییرات سیاسی و اقتصادی خارجی به سرعت و به شدت بر بازار اثر نمی گذارند. این ویژگی به بازار امکان می دهد در مواجهه با شوک های خارجی، مانند حوادث سیاسی بین المللی یا تغییرات تند در قیمت ارز، عملکرد پائین تری داشته باشد. در این مقطع زمانی، به نظر می رسد دولت با هدف تامین بخشی از کسری بودجه خود از مسیر بورس، به پشتیبانی از این بازار ادامه می دهد. اقداماتی از این دست نه تنها می تواند ثبات و رشد کوتاه مدت بازار سرمایه را تضمین کنند، بلکه به سرمایه گذاران این پیام را می رساند که دولت به بازار اهمیت زیادی می دهد و به دنبال راهکار های پایدار برای حل مشکلات اقتصادی است. بازار سرمایه همواره به شدت تحت تاثیر هیجانات سرمایه گذاران قرار دارد. این هیجانات می توانند ناشی از تغییرات سیاسی، اقتصادی یا شایعات موجود در بازار باشند، ولی باید توجه داشت که منابع مالی افراد و شرکتهای محدود هستند. اسلای تور های احساسی همراه با منابع محدود مالی و... **ادامه در صفحه ۶**



به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

مخاطبان عزیز می توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.